

همه جانبه و فراگیر ملی ارائه داد. گمان کنم پاسخ به پرسش در شرایط کنونی دشوار باشد. با وجوی که من نمی‌خواهم مسائل را ساده جلوه دهیم، ولی با اطمینان می‌گویم که این کار هر چند دشوار و طاقت فرسا باشد، ولی بی‌تردید امکان پذیر است. به این دلیل دشوار است که اگر قرار باشد چنین کاری صورت گیرد، در پرتو رویارویی اراده میان قدرت‌های شناخته شده خارجی و در رأس آن‌ها آمریکا و اسرائیل، و اراده ملت فلسطین صورت خواهد گرفت. زیرا قدرت‌های یاد شده نمی‌خواهند یک طرح ملی فلسطینی واقعی داشته باشیم تا بموجب آن بتوانیم سرزمین و حقوق ملت‌مان را از آن‌ها باز پس بگیریم. این در حالی است که ملت ما تا این لحظه ثابت کرده که شکست ناپذیر است و از میان همه توطئه‌ها سربلند بیرون آمده است.

اگر بخواهیم طرح ملی فلسطین را بازسازی کنیم بر اساس چه معیارهایی باید این کار را آغاز کنیم؟ ما نمی‌خواهیم اصول و راهکارهای ایدئولوژیکی و تاریخی و سیاسی جنبش جهاد اسلامی یا جنبش حماس را بر دیگران تحمیل کنیم. اجازه دهید اصول منشور ملی فلسطین را به داوری بگیریم. مگر این منشور تنها مرجع فکری و سیاسی طرح ملی فلسطین نبوده است؟ چه بلایی بر سر این منشور آمده است؟ اجازه دهید از شما بخواهم که فاتحه این منشور را بخوانید.

به کسانی که دچار فراموشی شده‌اند و به یاد ندارند چه سرنوشتی بر سر این منشور ملی آمده می‌گویم: در نشست شورای ملی فلسطین که در سال ۱۹۸۸ و به افتخار بیل کلینتون رئیس جمهوری وقت آمریکا (همه شما به یاد دارید که هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا و همسر آن رئیس جمهور، استعفای

به کسانی که دچار فراموشی شده‌اند و به یاد ندارند چه سرنوشتی بر سر این منشور ملی آمده می‌گویم: در نشست شورای ملی فلسطین که در سال ۱۹۸۸ و به افتخار بیل کلینتون رئیس جمهوری وقت آمریکا در غزه برگزار شد ۱۲ ماده منشور بکلی حذف گردید و تعدیلاتی روی ۱۶ ماده دیگر آن صورت گرفت. از میان ۳۳ ماده تشکیل دهنده منشور ملی مزبور فقط ۵ ماده اداری و سازمانی مانده است. لذا طرحی به نام طرح ملی فلسطین بر مبنای اصول منشور ملی وجود ندارد.

که بتواند آرزوها و خواسته‌های همه یا بیشتر ملت فلسطین را برآورده کند وجود ندارد. طرح برادران عزیزم در جنبش فتح که «طرح ملی فلسطین» نامیده می‌شود با اهداف ملی فلسطین مغایرت دارد. لذا هنگامی که یک تشکیلات فلسطینی طرح مغایری را مطرح می‌کند، اعتراض ما نشانگر مخالفت با اصل طرح ملی که وجود عینی ندارد، نمی‌باشد. بلکه ما با طرح یک تشکیلات فلسطینی فعال در صحنه و با برنامه برادرانم در جنبش فتح مخالف هستیم. این مخالفت و اختلاف نظر حق مشروع ماست و جرم و خیانت، آنگونه که برخی افراد وانمود می‌کنند نیست. در پی این نتیجه‌گیری، این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا امکان دارد چارچوب یک طرح ملی ارائه دهیم که مورد توافق همه فلسطینی‌ها باشد، و خواسته‌های آنان را برآورده کند؟ به تعبیر دیگری می‌پرسم که آیا امکان دارد یک برنامه منسجم ملی در پرتو استراتژی

متأسفانه امروزه هیچ استراتژی ملی و برنامه‌ای روشنی یا طرح جامعی برای نجات و آزادی سازی فلسطین وجود ندارد. آنچه امروزه به نام طرح ملی فلسطین نامیده می‌شود، باقی مانده میراث تاریخ مبارزات شکوهمند گذشته است که برادرانم در جنبش فتح آن را به ارث برده‌اند. با وجودی که برای برادرانم در جنبش فتح به خاطر پیشینه مبارزاتی طولانی‌شان احترام قابل هستم و از اجتهادات و دیدگاه‌شان ستایش و قدردانی به عمل می‌آورم، ولی در عین حال به افکار عمومی ملت فلسطین اعلام می‌کنم آنچه که امروز به نام طرح ملی و برنامه سیاسی فلسطین وجود دارد، طرح جنبش فتح می‌باشد. و این جنبش قصد دارد طرح خود را به همه فلسطینی‌ها تحمیل کند.

صرفنظر از موضع جنبش جهاد اسلامی و موضع همه گروه‌های مبارز فلسطینی نسبت به نظر خواهی‌های به عمل آمده و چگونه و توسط چه جریانی به عمل آمده است. ولی شکی نیست که حدود ۵۰ درصد افراد شرکت کننده در این نظر خواهی‌ها به جنبش مبارز فتح نظر مثبت دادند. از سوی دیگر نتایج انتخابات قانونگذاری سال ۲۰۰۶ دلایل فراوانی داشت و نشان داد که توده ملت فلسطین به چه کسی علاقمند است.

آنچه امروزه طرح ملی توصیف می‌شود در حقیقت طرحی است که برادرانم در جنبش فتح از زمان امضای موافقتنامه اوسلو آن را ارائه کرده‌اند و ربطی به سازمان آزادی بخش فلسطین ندارد. حتی برخی گروه‌ها و جنبش‌های عضو سازمان آزادی بخش فلسطین به ویژه جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین که روند سازش را پذیرفته‌اند، ولی با راهکار و روند اوسلو مخالف هستند. بنابر این، امروزه چارچوب یک طرح ملی

مقاومت برای آزادی فلسطین وظیفه شرعی، انسانی و اخلاقی است...



**دیدگاه‌های دکتر رمضان عبدالله دیر کل جنبش جهاد اسلامی
درباره رویدادهای جاری در فلسطین**

درآمد

با توجه به همدستی برخی رژیم‌های عرب با توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای نابودی آرمان فلسطین به ویژه در زمینه کشیدن دیوار آهنین به منظور تنگ کردن محاصره مردم غزه و نیز مسکوت گذاشتن گزارش جنایات سال گذشته صهیونیست‌ها در غزه موسوم به گزارش گلدستون، بسیاری از تحلیلگران معاصر سیاسی را معتقد ساخته که قضیه فلسطین در شرایط سخت و پیچیده قرار دارد. ولی در عین بسیاری از رهبران جنبش‌های اسلامی در فلسطین بر این باورند که مقاومت ملت‌های مسلمان و عرب منطقه در ده سال گذشته با دستیابی به پیروزی‌های بزرگ و چشمگیری در لبنان و فلسطین توانائی خود را برای برهم زدن محاسبات دشمنان به اثبات رسانده‌اند. دکتر رمضان عبدالله دیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین در این مقاله به تشریح اوضاع جاری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و ناکامی روند سازش پرداخته که با هم میخوانیم:

از عزت و کرامت انسانی خود چشم پوشی نخواهد کرد.

به طور تاکید با شرحی که گذشت میان مبانی، اهداف، ابزارها، راهکارها و گزینه‌های ما و دیگران فاصله بسیار و مشکل جدی وجود دارد. ولی ما هیچوقت امیدمان را از دست نمی‌دهیم. ملت فلسطین برای خروج از وضع موجود به سه راهکار نیاز دارد که عبارتند از:

۱- نهادینه شدن چارچوب طرح ملی.

۲- پشتیبانان آرمان فلسطین.

۳- راههای خروج از بن بست و اولویت مبارزه.

سازمان آزادی بخش فلسطین روزگاری چارچوب طرح ملی فلسطین را تشکیل می‌داده است. ولی من می‌پرسم که این سازمان امروزه چه نقشی دارد؟ در پی امضای موافقتنامه اوسلو و برسمیت شناختن حق موجودیت کیان غاصب و نفی مقاومت به بهانه نفی تروریسم از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین، و شناسایی این سازمان به عنوان تنها نماینده ملت فلسطین از سوی اسرائیل، هویت و ماهیت واقعی سازمان آزادی بخش فلسطین از محتوا تهی شد و حکومت اوسلو (حکومت خودگردان) جایگزین سازمان آزادی بخش فلسطین گردید.

بر این اساس، سازمان آزادی بخش فلسطین از آن روز به بعد به صورت ابزاری برای اجرای طرح‌ها و امضای موافقتنامه‌ها و تحقق اهدافی تبدیل شد که ربطی به اهداف واقعی سازمان آزادی بخش فلسطین ندارد. اهداف واقعی حذف شدند! سازمان آزادی بخش عملاً از صحنه حذف شد و پایه‌های حکومت خودگردان به عنوان نماینده ملت فلسطین استوار گشت. این سخن اغراق آمیز نیست. واقعیت تلخی است که ملت فلسطین دچار آن شده است.

مگر امروزه حکومت خودگردان به نام فلسطین سفیر تعیین نمی‌کند؟! در حالی که این وظیفه قانونی بخش سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین می‌باشد. مگر حکومت خودگردان و نه سازمان آزادی بخش فلسطین، نمایندگانی به کنفرانس‌ها و محافل بین المللی اعزام نمی‌کند؟ مگر صندوق ملی فلسطین در وزارت دارایی وابسته به حکومت خودگردان ادغام نشده است، و این حکومت با ته مانده کمک‌های دولت‌هایی کمک دهنده به حیات خود ادامه می‌دهد؟ همه این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که پس از بهره برداری از سازمان آزادی بخش فلسطین برای امضای قرار داد اوسلو، و تشکیل حکومت خودگردان، این سازمان هویت واقعی‌اش را از دست داده است. با این وصف حکومت خودگردان نه فقط جایگزین سازمان آزادی بخش فلسطین شده بلکه متأسفانه امروزه خود را جایگزین و همه کاره آرمان ملت فلسطین معرفی می‌کند.

قانون اساسی حکومت خودگردان دانسته یا ندانسته به قانون اساسی فلسطین تبدیل شده است. مثل اینکه ما فلسطینی‌ها جز قانون اساسی چیزی کم نداریم. این در حالی است که دشمن که موجودیت خود را روی ویرانه‌های میهن مان برپا داشته است تاکنون قانون اساسی اش را تدوین نکرده است. آنچه که امروزه به نام قانون اساسی فلسطین به آن اشاره می‌شود فقط در برگیرنده فلسطینی‌هایی است که در مناطق خودگردان در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه سکونت دارند. به هیچ وجه در این قانون اساسی به میلیون‌ها آواره فلسطینی پراکنده در کشورهای مختلف جهان و حق

مبانی دینی مان هم به ما آموخته‌اند که مقاومت وظیفه شرعی و ملی است. ولی ما برای تحقق وحدت کلمه که این هم یک وظیفه شرعی است، گاهی از تکرار واژه‌های جهاد و مقاومت به عنوان وظیفه و واجب دینی چشم پوشی می‌کنیم. به برادران مان می‌گوییم که کار آمدی گزینه مقاومت در لبنان و فلسطین به اثبات رسیده و درس فراموش ناشدنی به دشمن داده و شکست‌های کمر شکنی بر دشمن وارد آورده است.

مقاومت و جهاد بر ضد اشغالگری و تهاجم بیگانه را وظیفه شرعی، ملی، انسانی و اخلاقی می‌دانند. مهمتر از همه تجربه پیکار با طرح صهیونیسم در فلسطین به ما آموخته است که گزینه مقاومت بهترین گزینه برای آزاد سازی است. زیرا دشمن جز زبان مقاومت و قدرت، زبان دیگری نمی‌شناسد.

مبانی دینی مان هم به ما آموخته‌اند که جهاد و مقاومت وظیفه شرعی و ملی است. ولی ما برای تحقق وحدت کلمه که این هم یک وظیفه شرعی است، گاهی از تکرار واژه‌های جهاد و مقاومت به عنوان وظیفه و واجب دینی چشم پوشی می‌کنیم و به برادران مان فرصت اندیشیدن می‌دهیم تا این گزینه را از سرگیرند. به آنان می‌گوییم که کار آمدی گزینه مقاومت و جهاد در لبنان و فلسطین به اثبات رسیده و درس فراموش ناشدنی به دشمن داده و شکست‌های کمر شکن و پی در پی بر دشمن وارد آورده است.

ولی افسوس که برادران مان مقاومت را به عنوان گزینه رد می‌کنند. نیروهای مقاومت را تحت تعقیب قرار می‌دهند و به زندان می‌افکنند. اصرار دارند که تنها گزینه مقدس، مجاز و وظیفه ملی میز مذاکره است. اکنون جای این پرسش باقی است که آیا اینگونه دیدگاه‌های غیر اصولی از طرز فکر و وجدان یک شهروند فلسطینی جوشیده است؟! بدیهی است که این طور نیست. من معتقدم که اینگونه دیدگاه‌ها بر اثر نابرابری موازنه قدرت ناشی شده یا توسط دشمن بر برادران مان دیکته می‌شود. با این وصف اگر خواسته باشیم یک استراتژی ملی تدارک ببینیم، این مشکل را چگونه حل کنیم؟ پاسخ به این پرسش را به ملت فلسطین واگذار می‌کنم تا بر مبانی دین، وجدان، آگاهی، شناخت خود قضاوت کند. ملتی که هرگز

محمود عباس را پذیرفت و به او گفت به سلامت! در غزه برگزار شد ۱۲ ماده منشور بکلی حذف گردید و تعدیلاتی روی ۱۶ مواد دیگر آن صورت گرفت. از میان ۳۳ ماده تشکیل دهنده منشور مزبور فقط ۵ ماده اداری و سازمانی مانده است. بنابر این طرحی به نام طرح ملی فلسطین بر مبنای اصول منشور ملی فلسطین وجود ندارد.

شما خوب می‌دانید که هدف اصلی طرح ملی فلسطین از سال ۱۹۲۰ آزاد سازی سرتاسر سرزمین فلسطین بوده است. همچنین خوب می‌دانید که از ابتدای اعلام برنامه مرحله‌ای آزاد سازی در سال ۱۹۷۴ توسط سازمان آزادی بخش و برادران عزیزم در جنبش فتح و نیز برنامه نشست شورای ملی در الجزائر در سال ۱۹۸۸ برپای دولت مستقل فلسطین در چارچوب مرزهای چهارم ژوئن سال ۱۹۶۷ بوده که به طرح دو دولت شهرت یافت. با این وصف این پرسش مطرح می‌شود که دولت فلسطین در چه زمان و در چه مکان بر پا می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم که بر مبنای جدول زمانبندی موافقتنامه اوسلو، و در پی پایان گفت و گوهای حل و فصل نهائی، دولت فلسطین روز چهارم مه سال ۱۹۹۹ برپا شده است. ولی آیا دولت فلسطین واقعا برپا شده است؟ دستاوردهای گفت و گوهای اوسلو را در سرزمین فلسطین می‌بینید و می‌شنوید؟ می‌بینید در سرزمین فلسطین پس از امضای موافقتنامه اوسلو چه می‌گذرد! چند روز پیش ابو مازن (رئیس حکومت خودگردان) خطاب به مخالفان سازش گفت : آیا اصرار شما برای آزاد سازی سرتاسر سرزمین‌های اشغالی و باز پس گیری همه حقوق از دست رفته، مانع تفاهم با کسانی می‌شود که مطالبات کمتری دارند؟

ما مخالف همراهی با برادرانمان در جنبش فتح به مسافت ۲۰ گامی که آن را سقف نهایی هدفشان قرار داده‌اند نیستیم. آماده‌ایم این راه را به صورت انفرادی و دستجمعی ادامه دهیم تا خداوند مقرر فرماید و موازنه قدرت دگرگون گردد. ولی مشکل اصلی این است که طرف مقابل روی بازگرداندن بخشی از سرزمین اصرار دارد، و معتقد است که حقوق ملت فلسطین تنها از طریق گفت و گوهای سیاسی بازگردانده می‌شود. در این میان برخی معتقدند که در صحنه فلسطین فقط دو گزینه وجود دارد. یکی گزینه مقاومت و دیگری

گزینه گفت و گوهای سازش است. من با صراحت می‌گویم که جنبش جهاد و حماس،



را نسبت به آرمان فلسطین نا امید کرده کدام است؟ آیا با برگزاری انتخابات زود هنگام آنگونه حکومت خودگردان اعلام کرده راه پایان دادن به بن بست موجود می‌باشد؟ یا راه پایان دادن به این بن بست تکمیل آشتی ملی بر مبنای طرح پیشنهادی دولت مصر است که تاکنون چند بار با ناکامی مواجه شده است؟ آیا راه پایان دادن به بحران کنونی در صحنه فلسطین انصراف رئیس حکومت خودگردان از شرکت در انتخابات آینده است؟ برگزاری انتخابات زود هنگام در ژانویه آینده هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. بالعکس این انتخابات دامنه دو دستگی و تقسیم مناطق نفوذ میان جنبش‌های فتح و حماس را گسترش خواهد داد. پایه‌های حکومت جنبش فتح در کرانه باختری رود اردن و حکومت حماس در غزه را در سایه اشغالگری و سلطه صهیونیست‌ها استحکام خواهد بخشید. در این صورت تنها خدا می‌داند که کرانه باختری و نوار غزه تا چه زمانی از هم جدا خواهند بود! طرح آشتی ملی با شیوه‌ای که مصری‌ها ارائه داده‌اند بحران داخلی فلسطین را حل نمی‌کند. به درستی که بحران کنونی، یک بحران ساختاری و تاریخی مترکم است و طرح آشتی ملی مشکلات ریشه دار صحنه فلسطین را حل نمی‌کند و شاید به برخی مشکلات ظاهری حکومت خودگردان رسیدگی کند. اعلام انصراف محمود عباس از شرکت در انتخابات آینده هم مشکلی را حل نمی‌کند. اظهارات صریح او نشان داد که روند سازش به بن بست رسیده و به تشکیل دولت مستقل فلسطین منجر نمی‌شود. ■

کسانی که اهداف اصلی تشکیل سازمان آزادی بخش را حذف کردند، همان کسانی هستند که امروزه مشروعیت این سازمان را از بین می‌برند و نه جنبش‌های مقاومت فلسطین. همه می‌دانند که سازمان آزادی بخش فلسطین برای آزادی سرزمین فلسطین تشکیل شده و تا امروز هویت و قداست خود را برای دستیابی به این هدف مقدس حفظ کرده است.

تعیین سرنوشت فلسطین شرم آور نیست، ولی از نظر آنان اقدام سوریه به پناه دادن به خالد مشعل و رمضان عبدالله و ابو موسی و سایر رهبران فلسطینی شرم آور است! یا اینکه پشتیبانی ایران اسلامی از ملت محاصره شده و سرکوب شده فلسطین که روزانه مورد تجاوز صهیونیست‌ها قرار می‌گردد شرم آور است. شرم آور این است که نظام‌های رسمی عرب بر ادامه گفت و گوهای سازش پافشاری می‌کنند و آن را تنها گزینه راهبردی خود قرار داده‌اند. من از این نظام‌ها می‌پرسم با چه کسی می‌خواهید صلح کنید؟ با صلح طلبان؟ صلح طلب کیست؟ آیا اسرائیل خواهان صلح است؟ این نغمه سرایی را متوقف کنید! اکنون که شکست روند سازش به اثبات رسیده شرم آور است که این گزینه شکست خورده را ادامه دهید.

چندسای پیش به مردم مقاوم غزه اعلام کردم که با دشمن گستاخی مواجه هستیم که توسط قدرت‌های استکباری در قلب امت اسلامی کاشته شده تا همواره جنگ افروزی کند. مأموریت کیان غاصب جنگ افروزی است تا از مرزهای سایکس بیگو پاسداری کند و پایه‌های سلطه مشترک صهیونیست‌ها و غربی‌ها را استحکام بخشد. مگر مصادره روزانه اراضی فلسطینی‌ها و گسترش شهرک سازی و یهودی کردن قدس و تخریب خانه‌ها و آوارگی اهالی قدس جنگ افروزی نیست؟ برخی فلسطینی‌ها پس از این همه تجاوزگری می‌گویند که در برابر این جنگ افروزی جز صلح با دشمن چاره دیگری ندارند! این صلح نیست! این عین ذلت و خواری در برابر گستاخی دشمن ملعون است. به کسانی که گمان کرده‌اند که نابودی آرمان فلسطین تنها راه حل می‌باشد می‌گویم تا زمانی که خار و خنجر اسرائیل در قلب ملت فلسطین فرو رفته است، مقاومت فلسطین همچون خاری در گلو می‌همه سازشکاران باقی خواهد بود. آخرین پرسش این است که راه چاره و راه خروج از این بن بست و راه پایان دادن به این سردرگمی که برخی افراد

بازگشت آنان به میهن اشاره نشده است. آرمان فلسطین آنگونه که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و اسرائیلی‌ها می‌خواهند، زیر سقف حکومت خودگردان خلاصه شده است. آرمان فلسطین به قضیه انسانی، قضیه تهیه سوخت و غذا و دارو و لقمه نان شهروند فلسطینی و محاصره مناطق کرانه باختری رود اردن و نوار غزه تبدیل شده، و نه قضیه استقلال میهن و آزادی و حاکمیت ملی. اصولاً وظیفه اصلی حکومت خودگردان تلاش برای تهیه لقمه نانی برای فلسطینی‌ها شده است.

چنانچه به قضیه فلسطین به عنوان آرمان ملی و رهایی بخش بنگریم، در این صورت شایسته است سازمان آزادی بخش فلسطین، بدور از شخصیت پرستی و قداست ساختگی، چارچوب و محور در برگیرنده همه نیروهای مبارز فلسطینی باشد. زیرا مشروعیت هر سازمان و تشکیلاتی بر مبنای اهداف مقدسی است که بر اساس آن اهداف به وجود آمده و وظیفه دارد این اهداف را محترم بشمارد.

کسانی که اهداف اصلی تشکیل سازمان آزادی بخش را حذف کردند، همان کسانی هستند که امروزه مشروعیت این سازمان را از بین می‌برند و نه جنبش‌های مقاومت فلسطین. همه می‌دانند که سازمان آزادی بخش فلسطین برای آزادی سرزمین فلسطین تشکیل شده و تا امروز هویت و قداست خود را برای دستیابی به این هدف مقدس حفظ کرده است. ولی هنگامی که هدف آزاد سازی از دستور کار این سازمان حذف می‌گردد، سازمان مشروعیت خود را از دست می‌دهد. این درحالی است که رزمندگان وابسته به جنبش‌های مقاومت با ایثار و فداکاری هدف مقدس آزاد سازی را دنبال می‌کنند.

در ارتباط با مسئله مدافعان و پشتیبانان آرمان فلسطین، هنگامی که از برادران و همراهان و همزمان خود در گروه‌ها و جنبش‌های مبارز فلسطینی می‌پرسم چرا به بن بست رسیده‌اید؟ به سادگی پاسخ می‌دهند که زیر پای‌شان خالی شده و امروزه هیچ دولت عربی و اسلامی از آرمان فلسطین پشتیبانی نمی‌کند! راست می‌گویند! پشتیبانان آرمان فلسطین غیب شده‌اند. زمانی که صاحب اصلی قضیه فلسطین لغزش پیدا می‌کند، و به بیراهه می‌رود، و به دشمن امتیاز می‌دهد، در این صورت برخی دولت‌ها از تعهدات‌شان در قبال آرمان فلسطین شانه خالی می‌کنند.

تعجب آور این است که اگر امروز کسی بخواهد از مقاومت فلسطین پشتیبانی کند، هرچند که این پشتیبانی متواضعانه باشد، و رعایت حال دیگران را نیز بکند، او را به بهانه‌های گوناگون متهم می‌کنند. امروزه سوریه و جمهوری اسلامی ایران که مقاومت فلسطین را در آغوش دارند با انواع اتهامات روبه رو هستند. اتهامات سوریه و ایران و حزب الله لبنان چیست؟ این طرف‌ها که اصرار می‌ورزند سرزمین فلسطین متعلق به فلسطینی‌هاست و نه دشمن متجاوز... و قدس به مردم فلسطین تعلق دارد و نه به صهیونیست‌ها، در معرض اتهام قرار می‌گیرند. به خدا قسم که این اتهامات ننگ آور است. بسیار شرم آور است که یک فلسطینی پیدا شود و پشتیبانی اعراب و مسلمانان از فلسطین را محکوم کند. او می‌خواهد پیوند امت را با این آرمان مقدس قطع کند. از نظر او فراخوانی همه شیطان‌های روی زمین و در رأس آن‌ها شیطان بزرگ آمریکا که حامی این رژیم غاصب می‌باشد برای مشارکت در

